



## «پس از پنجاه سال» دکتر شهیدی و واکاوی دلایل فاجعه عاشورا

اهمیت حرکت امام حسین(ع) همواره مورد توجه اندیشمندان حوزه تاریخ اسلام بوده و دیدگاه‌های مختلفی درباره چرایی رخداد قیام عاشورا مطرح شده است.

فرهاد حاجری- کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، خبرنگار دین و اندیشه ایسنا

اهمیت حرکت امام حسین(ع) همواره مورد توجه اندیشمندان حوزه تاریخ اسلام بوده و دیدگاه‌های مختلفی درباره چرایی رخداد قیام عاشورا مطرح شده است. «پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین» اثر مرحوم سیدجعفر شهیدی در میان تحلیل‌های ارائه‌شده از قیام امام حسین(ع)، از جایگاه متفاوتی برخوردار است. این کتاب حدوداً 200 صفحه‌ای را می‌توان حاصل سال‌ها تامل و غور مرحوم شهیدی در تاریخ اسلام دانست که از ویژگی‌هایی خاص برخوردار است. اگر نگاهی به منابع مورد استفاده در این کتاب بیندازیم، بر خلاف عمده تحقیقات تاریخی که استفاده از فهرست بلندبالای منابع را معمولاً امتیازی مثبت تلقی می‌کنند، در اثر مرحوم شهیدی تنها به آثار مهم تاریخی برمی‌خوریم که نزدیک‌ترین گزارش‌ها را از عاشورا ارائه داده‌اند و اکنون موجود هستند. همچنین کتاب از نثر خشک تاریخی و علمی برخوردار نیست و نویسنده با تکیه بر داده‌های تاریخی، به ارائه تحلیلی از چرایی قیام امام حسین(ع) پرداخته است. مرحوم شهیدی در بخش‌های زیادی از کتاب حتی از ارجاع اطلاعات تاریخی خود به منابع، خودداری می‌کند که چه بسا اگر تخصص و تبحر آن مرحوم در تاریخ اسلام شناخته شده نبود، امکان داشت ارزش اثر نیز مورد توجه قرار نگیرد.

اگر مرحوم مطهری در «حماسه حسینی» با نگاهی حماسی به قیام امام پرداخته است و نهضت امام را حرکتی چندبعدی با اهداف دینی و اجتماعی می‌داند، اگر مرحوم شریعتی در «حسین، وارث آدم» نگاه ادیبانه و هنرمندانه خود را از حرکت اباعبدالله بیان می‌کند و در «تشیع علوی، تشیع صفوی»، همچنین «تشیع»، نهضت امام را برای امر به معروف و نهی از منکر و رسواکردن نظام ظلم و نهضتی با مظهر آزادی و انسانیت و .. معرفی می‌کند، و اگر مرحوم صالحی نجف‌آبادی در «شهید جاوید» علت اصلی قیام امام را تشکیل حکومت اسلامی می‌داند، سیدجعفر شهیدی با ریشه‌یابی وقایع تاریخ پیش از اسلام و دوران حیات پیامبر(ص) در جست‌وجوی عوامل قیام اباعبدالله است.

شهیدی با اشاره به اختلافات قومی و قبیله‌ای اعراب، چه در پیش از اسلام و چه پس از آن، معتقد است که از تعصب جاهلی اعراب و درگیری‌های قبیله‌ای اگر چه با حضور پیامبر(ص) و گسترش برادری دینی توسط ایشان، کاسته شده بود و مسلمانان در کنار یکدیگر تحت یک لوا زندگی می‌کردند، اما با وفات پیامبر، افکار جاهلی دوباره زنده شدند. مرحوم شهیدی در این بستر در پی پاسخگویی به این پرسش است که «چه شد که اجتماع مسلمان آن روز در مقابل این حادثه تا آن حد خونسردی و بی‌اعتنایی نشان داد؟» (پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین، ص 15).

وجه تمایز کتاب این موضوع است که نویسنده معتقد است: «حادثه محرم سال 61 هجری از جمله حادثه‌هایی است که باید علت یا علت‌های اصلی آن را نه در آن سال یا چند سال پیش از حادثه جست‌وجو کرد، بلکه ممکن است پیگیری داستان موجب شود ما به سال‌هایی پیش از خلافت ابوبکر و پیش از ظهور اسلام و بلکه سال‌ها پیش از تولد پیغمبر اسلام بازگردیم؛ چه این حادثه‌ها مانند حلقه‌های زنجیر یکی به دیگری بسته است و نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد.» (پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین، ص 15). این نکته، موضوع مهمی است که گاه در تحلیل‌های تاریخی از صدر اسلام نادیده گرفته می‌شود.

برای فهم بهتر تحلیل استاد شهیدی، نیاز به توضیحی کوتاه در باب نسب‌شناسی اعراب است که البته خود آن مرحوم نیز اشاراتی کوتاه به این مبحث در کتاب خود داشته‌اند.

قبیله‌های مختلف اعراب در پیش از اسلام، به طور کلی با عنوان اعراب «قحطانی» و اعراب «عدنانی» متمایز می‌شدند. قحطانی‌ها اعراب جنوب جزیره‌العرب بودند و «یمنی» نیز خوانده می‌شدند و عدنانی‌ها اعراب شمال شبه جزیره عربستان را تشکیل می‌دادند و آنها را ناخالص و «مستعربه» (عرب شده) می‌دانستند. نسابین عرب، منشاء تقسیم‌بندی کلی اعراب به این دو گروه را از «تورات» گرفته‌اند. این دو دسته خود از قبیله‌ها و بطن‌های (واحدهای کوچکتر از قبیله) مختلف تشکیل می‌شدند که پرداختن به آنها از حوصله این یادداشت خارج است. آنچه دانستن آن مهم است، این موضوع است که حمیت جاهلی اعراب در دل این قبیله‌های مختلف جایگاه اساسی و تعیین‌کننده داشت. این گروه‌ها پس از ظهور اسلام و با دعوت پیامبر به برادری دینی، اگر چه رنگ و بویی اسلامی به خود گرفتند اما این امر به معنای نادیده‌گرفتن آنچه در گذشته، ارزش می‌پنداشتند و فراموش کردن رقابت‌هایشان نبود.

دیدگاه مهم و نظر کلی دکتر شهیدی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که اعراب پس از وفات پیامبر(ص) به دوران جاهلیت و پیشین خود برگشتند و برادری اسلامی را فراموش کردند، همچنین رقابت «بنی‌امیه» با «بنی‌هاشم» و کینه‌ای که فرزندان عبد شمس (جد بنی‌امیه) از فرزندان هاشم در گذشته داشتند، بار دیگر زنده شد؛ «همچشمی بنی‌امیه با بنی‌هاشم و کینه‌ای که

فرزندان عبد شمس پیش از اسلام از پسرعموهای خود در دل داشتند.» ( پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین، ص 76) در دوران معاویه و امام علی(ع) هم ادامه داشت.

به نظر مولف کتاب، این رقابت دیرینه، خود را در قالب رقابت شامی و عراقی نشان داد؛ رقابتی که از نظر نویسنده کتاب تازگی نداشت و «اختلاف مردم این دو منطقه، گذشته از ستیزه‌های قبیله‌ای از منشاء سیاسی و اقتصادی نیز ریشه می‌گرفت....» ( پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین، ص 103). منظور مرحوم شهیدی از رقابت سیاسی و اقتصادی این دو منطقه، دولت‌های محلی «حیره» و «غسانی» است که اولی متحد سیاسی حکومت ساسانیان در مرزهای شرقی شبه جزیره عربستان و دومی متحد حکومت روم در مرزهای شمالی شبه‌جزیره، پیش از اسلام بودند.

اشاره مرحوم شهیدی به دو رویداد در ارتباط با کربلا، امان‌نامه شمر به چهار تن از فرزندان امام علی (ع) و برخورد یزید با سر بریده امام حسین(ع)، نمونه‌هایی هستند که از تاثیر اختلافات قبیله‌ای در بانیان وقوع عاشورا نشان داشتند. شمر بن ذی الجوشن، در روز عاشورا امان‌نامه‌ای را برای چهار تن از پسران امام علی(ع) که مادرشان از «بنی‌کلاب» و از هم قبیله‌ای‌های شمر بودند ارسال کرد و از طرفی یزید در برابر سر بریده امام حسین(ع) می‌گفت: «کاش بزرگان من که در بدر حاضر شدند و گزند تیرهای قبیله خزرج را دیدند امروز در چنین مجلسی حاضر بودند و شادمانی می‌کردند.» (پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین، ص 76 و 186) عباراتی که اهمیت تعصب جاهلی را در دیدگاه این افراد نشان می‌دهد؛ مساله‌ای که پیامبر(ص) و خاندانش، بسیار برای ریشه‌کن کردن آن کوشیدند.

مخلص تحلیل نویسنده کتاب از چرایی وقوع عاشورا را در اشاره به آیه 144 سوره آل عمران، می‌توان دید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ..» ( ... آیا اگر محمد بمیرد از عقیده خود برمی‌گردد ... ). مرحوم شهیدی معتقد است که با اتفاقاتی که پس از وفات پیامبر(ص) و به ویژه در دوران معاویه افتاد، دوباره ارزش‌های جاهلیت در میان اعراب زنده شد و برادری دینی رو به فراموشی رفت؛ امری که در به وجود آمدن چنین برخورد فاجعه‌آمیزی با فرزند پیامبر(ص) موثر بود.

منبع :

جعفر شهیدی، پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1385.